

آیزایا برلین

خارپشت و روباه
در باب نگاه تولستوی به تاریخ

www.ketab.ir

ترجمه نجف دریابندری

ویراسته هنری هاردی
با پیشگفتاری از مایکل ایگناتیف

آیزایا برلین

خارپشت و روباه

در باب نگاه تولستوی به تاریخ

ترجمه نجف دریابندری

ویراسته هنری هاردی

با پیشگفتاری از مایکل ایگناتیف

انتشارات پایگانی

مدیر هنری و طراح گرافیک: پیمان فرگاهی

امور آماده‌سازی و تولید: کارگاه نشر پایگانی

مدیر تولید: پوریا فرگاهی

ویرایش متن و ترجمه افزوده‌ها: حسن عرب

قلم‌های استفاده‌شده در متن:

بدر نازک و سیاه، Lucida Bright, Cambria Math

چاپ: سپیدار / استخر

لیتوگرافی و صحافی: سپیدار

چاپ نخست، تهران، ۱۳۰۳

۸۰۰ نسخه

همه حقوق برای ناشر محفوظ است.

www.ketab.ir

انتشارات پایگانی

تهران، صندوق پستی ۵۱۱-۱۳۱۴۵

تلفن / دورنگار: ۶۶۲۰۲۲۶۰-۶۶۲۰۲۲۳۰ [۰۲۱]



- سرشناسه: برلین، آیزایا، ۱۹۰۹-۱۹۹۷ م.
عنوان و نام پدیدآور: خارپشت و روباه / آیزایا برلین، با پیشگفتاری از مایکل ایگناتیف؛ ترجمه نجف دریابندری؛
ترجمه پیشگفتار: سهراب دریابندری؛ طراحی گرافیک: پیمان فرگاهی؛ ویراستار: حسن عرب.
مشخصات نشر: تهران، پایگانی، ۱۴۰۲.
شابک: ۹۷۸-۶۲۲-۸۰۷۶-۰۳-۴
وضعیت فهرست‌نویسی: ایبا
یادداشت: عنوان اصلی: [2013]. Second Edition, Tolstoy's view of history, [2013].
موضوع: تولستوی، لئو، ۱۸۲۸-۱۹۱۰ م. -- معلومات -- تاریخ
موضوع: Tolstoy, Leo, graf. -- 1910-1828 Knowledge- History
موضوع: تولستوی، لئو، ۱۸۲۸-۱۹۱۰ م. -- دیدگاه‌های سیاسی و اجتماعی
موضوع: Tolstoy, Leo, graf. 1910-1828 -- Political and social views
موضوع: History -- Philosophy
شناسه افزوده: Ignatieff, Michael
شناسه افزوده: دریابندری، سهراب، ۱۳۵۲ - مترجم
شناسه افزوده: Fargahi, Peyman
شناسه افزوده: شماره کتابشناسی ملی: ۹۳۱۶۹۸۴
ردمبندی دبی: PG۳۴۱۵
ردمبندی دیویی: ۸۹۱/۷۳۳
م. - مقدمه نویسنده
۱۳۹۹-۱۳۰۸ - مترجم
۱۳۶۷ - پیمان، س. - گردآهست

شابک: ۹۷۸-۶۲۲-۸۰۷۶-۰۳-۴

→

[ص. پنچ] دیوید هاگن. سر آیزایا برلین در صندلی حصیری، ۱۹۸۰.
قلم و جوهر روی دو ورق کاغذ به هم پیوسته، ۸۲ × ۳۵.۶ س.م.

یادداشت ناشر / الف
پیشگفتار مایکل ایسکاتیف / ب
مقدمه ویراستار انگلیسی / ج
یادداشت نویسنده / ح

خارپشت و روباه / ۱

پیوست ویراست دوم / ۱۰۵

پی‌نوشت‌ها / ۱۳۳

نمایه / ۱۵۳

یادداشت ناشر

چاپ پیشین ترجمه زنده‌یاد نجف دریابندری از این نوشته پرآوازه برلین بر اساس متنی بود که در سال ۱۹۷۸ ذیل کتاب *Russian Thinkers* (متفکران روس) گردآوری و منتشر شد. بازنشر این ترجمه اکنون به انضمام بخش‌هایی است که در ویراست دوم اثر (در قالب کتابی مستقل، در سال ۲۰۱۳) بدان افزوده شده: دو نوشته مقدماتی، شمار زیادی یادداشت جدید و پیوستی مبسوط در پایان.^۱ در این میان، انبوه افتادگی‌هایی که به ترجمه آغازین راه یافته بودند تکمیل و اصلاح شده‌اند. نکته پایانی این که پی‌نوشت‌های متن اصلی و قلاب‌های داخل این متن متعلق به برلین‌اند و قلاب‌های بخش پی‌نوشت از آن ویراستار انگلیسی؛ توضیحات زنده‌یاد دریابندری در همه جا با کوتاه‌نوشت «م.» در انتهایشان مشخص شده‌اند و کلیه افزوده‌های ویراستار فارسی در پرانتز شکسته، (...) آمده‌اند.

این متن با نظارت و تأیید سهراب دریابندری منتشر می‌شود. قدردان همراهی او هستیم. همچنین از آقای علیرضا نبوی که متن چاپ پیشین را با دست‌نویس‌های زنده‌یاد دریابندری تطبیق دادند سپاسگزاریم.

^۱ غلط‌نامه آنلاین و به‌روزشده این ویراست (آگوست ۲۰۲۳) نیز مد نظر بوده است:

پیشگفتار

به تلاش کردنش می‌ارزد، فهم این‌که چرا این مقاله فوق‌العاده که ابتدا به شکل یک سخنرانی در آکسفورد ایراد شد و پس از آن دوباره در یک مجله ناشناخته مطالعات اسلاو در ۱۹۵۱ به چاپ رسید، و بعد اسم آن عوض شد و در ۱۹۵۳ چاپ شد، از پس سال‌ها هنوز هم زنده و ماندگار است. به همراه «دو مفهوم آزادی»^(۱)، تمایز میان خارپشت و روباه نشان داد که به شکل ماندگاری ثمربخش است و در جاهایی به کار رفت که برلین هرگز تصورش را نمی‌کرد و قصدش را هم نداشت. چیزی را که به شکل یک بازی در اتاق‌های گعده دانشجویی در اواخر دهه ۱۹۳۰ شروع شد — یک دانشجوی کارشناسی او را با آن جمله درخشان و اسرارآمیز یونانی به زبان اصلی آشنا کرد و آیزایا برلین آن را برداشت و با آن رفقای خودش را به دو دسته خارپشت و روباه تقسیم کرد^(۲) — پس از آن برلین برای نوشتن یک مقاله عالی درباره تولستوی به صورت یک بینش ساختاری درآورد. حالا این تمایز وارد فرهنگ شده است، این‌که اطرافیان را دسته‌بندی کنیم و به این دو جهت‌گیری بنیادی نسبت به خود واقعیت فکر کنیم.

تنها این نیست که روباه چیزهای زیادی می‌داند. روباه می‌پذیرد که فقط می‌تواند چیزهای زیادی بداند و وحدت واقعیت باید از چنگش بگریزد. مشخصه مهم روباه‌ها این است که آن‌ها با مرزهای دانسته‌های خودشان کنار آمده‌اند. آن‌طور که برلین تعبیر می‌کند، «ما جزئی هستیم از یک نقشه کلی، که از حد فهم ما بالاتر است [...] خود ما هم در همین دنیا و با این

دنیا زندگی می‌کنیم، و خردمندی ما فقط به همان اندازه‌ای است که با این دنیا سازش داریم.»^(۳)

یک خارپشت با جهان به صلح نمی‌رسد. او آشتی نمی‌کند. نمی‌تواند قبول بکند که فقط چیزهای زیادی می‌داند. به دنبال این است که یک چیز بزرگ را بداند، و بی‌وقفه تلاش می‌کند به واقعیت یک شکل وحدت‌بخش بدهد. روباه‌ها به آنچه می‌دانند اکتفا می‌کنند و ممکن است زندگی شادی را سپری بکنند. خارپشت‌ها کنار نمی‌آیند و ممکن است زندگی خوشی نداشته باشند.

برلین می‌گوید همه ما عناصری را از هر دو، روباه و خارپشت، در خودمان داریم. این مقاله یک تمثال بی‌نظیر از شکاف انسانیت است. ما موجودات دوپاره‌ای هستیم و یا باید ناکامل بودن دانشمان را بپذیریم، یا به یقین و حقیقت بچسبیم. از میان ما، تنها بااراده‌ترین‌ها به آنچه روباه می‌داند راضی خواهند بود و یقین خارپشت را رها نخواهند کرد.

به عبارت دیگر، مقاله ماندگار است، چون به سادگی درباره تولستوی نیست — درباره همه ما است. ما می‌توانیم با «حب و واقعیت»^(۴) خودمان صلح کنیم — آن را به همان شکلی که هست بپذیریم، زندگی را به همان شکلی که آن را می‌یابیم زیست کنیم — یا این که می‌شود تشنه یک حقیقت واحد و بنیادی‌تر باشیم که در زیر ظاهر است، حقیقتی که توضیح یا تسلی بدهد.^(۵)

برلین این اشتیاق به حقیقت واحد را در تقابل با حس واقعیت روباه قرار می‌داد. او پافشاری می‌کرد که حتی دانش روباه هم ممکن است در حد خودش استوار و واضح باشد. ما در مه نیستیم. می‌توانیم بدانیم، می‌توانیم یاد بگیریم، می‌توانیم قضاوت اخلاقی بکنیم. دانش علمی واضح است. چیزی که او در آن تردید می‌کند همین است که علم یا عقلانیت می‌تواند به ما یک یقین نهایی بدهد که به قلب واقعیت نفوذ کند. بیشتر ما با این راضی می‌شویم. برلین می‌نویسد، خرد تسلیم شدن در مقابل توهم نیست، بلکه پذیرفتن آن «سیالۀ دگرگون‌شدنی که ما در آن عمل می‌کنیم»، «روابط همیشگی امور» و «بافت کلی زندگی انسانی»^(۶) است. این را از طریق علم یا عقلانیت در آن حد نمی‌توان فهمید که می‌شود از طریق یک آشتی عمیق با آنچه هست فهمید. خود برلین در سال‌های پایانی عمرش به چنین آرامشی

رسید. به نظر می‌رسید که ریشه آن در پذیرفتن و آشتی‌ای باشد که حس واقعیتش را آکنده بود.^(۷)

تعداد اندکی صلح با واقعیت را نمی‌پذیرند. آن‌ها حاضر نیستند که تسلیم بشوند و جست‌وجو می‌کنند — خواه در میان هنر باشد یا علم، ریاضی یا فلسفه — تا از درون چیزهای مختلف زیادی که روباه‌ها می‌دانند به یقین مرکزی‌ای نفوذ بکنند که همه چیز را شرح می‌دهد. کارل مارکس چنین فردی بود، سرسخت‌ترین خارپشت در میان همه‌شان.

عظمت خارپشت‌ها در این است که محدودیت‌های ما را نمی‌پذیرند. تراژدی آن‌ها این است که در نهایت با این محدودیت‌ها کنار نمی‌آیند. تولستوی بی‌رحمانه همهٔ دکترین‌های موجود حقیقت را رد می‌کرد، خواه مذهبی باشد، خواه سکولار. با این حال نمی‌توانست از این اعتقاد دست بکشد که اگر بر محدودیت‌های خودش چیره می‌شد چنین حقیقت نهایی‌ای به دست می‌آمد. «حس تولستوی برای دریافت واقعیت تا آخر کار چنان زورآور بود که با هیچ آرمان اخلاقی سازگار نمی‌شد، آن هم آرمانی متشکل از پاره‌های پراکندهٔ جهانی که در برابر ضربه‌های فکر خود او از هم پاشیده بود.»^(۸) در پایان، او پیکرهٔ نوعی عظمت تراژیک بود — «پیر در مانده و بیچاره‌ای که به دست خودش کور شده و در کولونوس سرگشته است و از دست هیچ انسانی کمکی به حال او ساخته نیست»^(۹) — و نمی‌توانست با محدودیت‌های لاعلاج انسانیت خودش صلح کند.

این مقاله از هر کس که آن را می‌خواند سؤال‌هایی ابتدایی می‌پرسد: چه می‌توانیم بدانیم؟ «حس واقعیت» ما به ما چه می‌گوید؟ آیا ما با محدودیت‌های دید انسان صلح کرده‌ایم؟ یا خواستار چیز بیشتری هستیم؟ اگر چنین است، می‌توانیم امیدوار باشیم که یک روز به چه یقینی برسیم؟ چون این‌ها سؤال‌های ماندگار وجود انسان هستند، این مقاله تا زمانی که کسانی در جست‌وجوی جواب می‌آیند خواهد ماند.

مایکل ایگناتیف

— ترجمهٔ سهراب دریابندری

مقدمه ویراستار انگلیسی

بسیار متأسفم که نام کتاب را خارپشت و روباه گذاشته‌ام. کاش این کار را نکرده بودم.
آیزایا برلین^(۱)

این کتاب کوتاه یکی از معروف‌ترین و ستایش‌شده‌ترین آثار آیزایا برلین است. شاید ارزشش را داشته باشد که تاریخچه کم‌وبیش پیچیده آن را به اختصار مرور کنیم.

نسخه اصلی و کوتاه‌تر این متن، که مبتنی بر سخنرانی‌ای بود که در آکسفورد ایراد شد، (بنا به ادعای نویسنده) طی دو روز دیکته شد و در سال ۱۹۵۱ در مجله‌ای تخصصی، تحت عنوان کمتر به یادمانده «شکاکیت تاریخی لئو تولستوی»^(۲)، انتشار یافت. کتاب دو سال بعد، با پیشنهاد الهام‌بخش جرج وایدنفلد^(۳)، پس از بازبینی و گسترش، تحت عنوان مشهور فعلی‌اش بازنشر شد؛^(۴) این چاپ با افزودن دو بخش اضافی درباره تولستوی و مستر^۱ جان تازه‌ای گرفت و به خاطره دوست فقید نویسنده، جاسپر ریدلی (۱۹۱۳-۱۹۴۳)، که ده سال پیش‌تر در جنگ جهانی دوم کشته شده بود، تقدیم شد.

بیست و پنج سال بعد، این اثر در مجموعه‌ای از مقالات برلین درباره متفکران روسی قرن نوزدهم جای گرفت؛ ویراست دوم و سراسر بازبینی‌شده این مجموعه سی سال پس از آن منتشر شد.^(۵) «خارپشت و روباه» بار دیگر در سال درگذشت برلین، در مجموعه‌ای تک‌جلدی که برای مرور کارنامه او از کل آثارش گزیده شده بود، انتشار یافت.^(۶) طی این سال‌ها ترجمه‌هایی

^۱ Maistre

پر شمار از این اثر ارائه شده است: کار الین هالبان^۱ روی نسخه فرانسوی^(۷) در میانه‌های دهه ۱۹۵۰ — او که چندی بعد همسر برلین شد — فرصتی برای دیدارهای مستمر در دوره پیش از ازدواجشان بود. و سرانجام، متنی گزیده با عنوان تولستوی و تاریخ^(۸) انتشار یافت. متن کامل مستقل این اثر از همان ایام اولین انتشارش بارها تجدید چاپ شده است و اکنون وارد واپسین مرحله تاریخچه‌اش می‌شود.

من در هر یک از مجموعه مقالات برلین که شخصاً یا مشترکاً ویراسته‌ام — یعنی در سال‌های ۱۹۷۸، ۱۹۹۷ و ۲۰۰۸ — اصلاحاتی در متن و اصلاحات و افزوده‌هایی در یادداشت‌ها آورده‌ام. همچنین ترجمه بندهایی که از زبانی جز انگلیسی‌اند (و برخی‌شان نسبتاً طولانی) به آن‌ها افزوده شده است. ویراست حاضر این متن همه این بازبینی‌ها را در بر دارد و چیزی بیش از آن.

آنچه در این ویراست جدید است پیشگفتار زندگی‌نامه‌نویس برلین، مایکل ایگناتیف، است و پیوستی که شامل (گزیده‌هایی از) نامه‌هایی است که برلین درباره این متن در همان زمان نگارش و انتشارش و بعدتر نوشت و نیز (گزیده‌هایی از) نقدها و بررسی‌هایی در همان دوران و شرح‌های پسین. اول‌بار که کتاب منتشر شد، با شور و علاقه بررسی‌اش کردند و موضوع عمده نقدهای ادبی شد. تمایز برلین میان خاربشت و حدت‌گرا و روباه کثرت‌گرا، همانند ستایشش از عبارت کانت: «الوار خیمه انسانیت»^(۹)، در واژگان فرهنگ مدرن وارد شد. در گفتار، آثار چاپی و فضای مجازی چندان مکرر به آن استناد کرده‌اند که این تمایز خود حیاتی مستقل یافته که قابل ردگیری نیست؛ از جمله الهام‌بخش پارودی‌ای از جان بول^۲ در مجله پانچ شده است (نک پیوست) و نیز دست‌مایه کاریکاتورهایی معروف.^(۱۰)

از آنجا که ویراست جدید از نو چیده شده شماره صفحات (و) پاراگراف‌بندی (با چاپ‌های مختلف قبلی تفاوت دارد و این مایه زحمت خوانندگانی است که می‌کوشند ارجاعات به آن چاپ‌ها را دنبال کنند. ...) ارجاع به صفحات غالباً با شماره‌های ساده است و ارجاع درون‌متنی به

^۱ Aline Halban

^۲ John Bowle

پی‌نوشت‌ها (که ردّشان در متن اصلی با عدد توک در پرانتز مشخص شده) بدین صورت است که ۲/۱۵ یعنی پی‌نوشت‌های بخش ۲، شماره ۱۵. باید قدردان دوست برلین، جولی‌ین اسکویث^(۱)، باشیم که برلین پاره‌نوشته‌ای را که منشأ عنوان کتاب است از او آموخت. صمیمانه سپاسگزار ایلین کلی^۱ هستم، بابت کمک بسیار ارزشمندش به این متن و ارجاعات آن در طی آماده‌سازی نخستین ویراست متفکران روس. در خصوص ویراست حاضر، همچنین از آل برتراند، یوئین بووی، کوئنتین دیویس (وصی ادبی جان بول، بابت اجازه بازنشر پارودی بول)، لئوفرانک هالفورد-استرونس، اِوا پاپاستراتیس، جان پنی و بیش از همه از مری هاردی متشکرم.

هنری هاردی

هزوال، می ۲۰۱۲.

دسامبر ۲۰۲۱، آگوست ۲۰۲۳

www.ketab.ir

¹ Aileen Kelly